

پیش‌بینی بحران هویت بر اساس سرمایه اجتماعی و شکاف نسلی در دانشجویان
Prediction of Identity Crisis Based on Social Capital and Generational Gap among
University Students

Farideh Amini

Department of Psychology, Marv. C., Islamic Azad University, Marvdasht, Iran.

Azarmidokht Rezaie *

Department of Psychology, Marv. C., Islamic Azad University, Marvdasht, Iran. rezaie@miau.ac.ir

Maryam Zarnaghash

Department of Psychology, Marv. C., Islamic Azad University, Marvdasht, Iran.

Maryam Kourosh Nia

Department of Psychology, Marv. C., Islamic Azad University, Marvdasht, Iran.

فریده امینی

گروه روانشناسی، واحد مرودشت، دانشگاه آزاد اسلامی، مرودشت، ایران.
آذرمدخت رضایی (نویسنده مسئول)

گروه روانشناسی، واحد مرودشت، دانشگاه آزاد اسلامی، مرودشت، ایران.

مریم زرنقاش

گروه روانشناسی، واحد مرودشت، دانشگاه آزاد اسلامی، مرودشت، ایران.

مریم کوروش نیا

گروه روانشناسی، واحد مرودشت، دانشگاه آزاد اسلامی، مرودشت، ایران.

Abstract

The present study aimed to predict identity crisis based on social capital and the generation gap among university students. The research design was descriptive-correlational, utilizing multiple regression analysis. The statistical population consisted of students studying at universities in Shiraz during the 2023-2024 academic year, from which 349 individuals were selected using cluster random sampling. The research instruments included the Identity Crisis Questionnaire (ICQ; Ahmadi, 2008), the Social Capital Questionnaire (SCQ; Sahami, 2008), and the Generation Gap Questionnaire (GPQ; Nabavi, 2003). Data were analyzed using simultaneous multiple regression analysis. The results indicated that social capital and the generation gap are significant predictors of identity crisis in students ($p < 0.05$). Overall, social capital and the generation gap accounted for 17.3% of the variance in identity crisis. Therefore, it can be concluded that while social capital is associated with a decrease in identity crises, the generation gap is associated with an increase in identity crises. These two variables play a crucial role in explaining the variations in identity crisis among university students.

Keywords: Social Capital, Generational Gap, Identity Crisis.

چکیده

هدف پژوهش حاضر پیش‌بینی بحران هویت بر اساس سرمایه اجتماعی و شکاف نسلی در دانشجویان بود. روش پژوهش توصیفی - همبستگی از نوع تحلیل رگرسیون بود. جامعه آماری پژوهش را دانشجویان تشکیل دادند که در سال ۱۴۰۳-۱۴۰۲ مشغول به تحصیل در دانشگاه شهر شیراز بودند و از میان آن‌ها ۳۴۹ نفر به روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای به عنوان نمونه انتخاب شدند. ابزارهای پژوهش شامل پرسشنامه بحران هویت (ICQ، احمدی، ۱۳۸۷)، پرسشنامه سرمایه اجتماعی (SCQ، سهامی، ۲۰۰۸) و پرسشنامه شکاف نسلی (GPQ، نبوی، ۱۳۸۲) بود. روش تحلیل این پژوهش، تحلیل رگرسیون چندگانه به روش همزمان بود. نتایج تحلیل رگرسیون چندگانه نشان داد که سرمایه اجتماعی و شکاف نسلی توان پیش‌بینی بحران هویت در دانشجویان را دارا هستند ($p < 0.05$). در مجموع، سرمایه اجتماعی و شکاف نسلی توانستند ۱۷/۳ درصد از واریانس بحران را تبیین کنند. بنابراین می‌توان نتیجه‌گیری کرد که سرمایه اجتماعی با کاهش و شکاف نسلی با افزایش بحران هویت همراه است و این دو متغیر نقش مهمی در تبیین تغییرات بحران هویت در دانشجویان را دارند.

واژه‌های کلیدی: سرمایه اجتماعی، شکاف نسلی، بحران هویت.

مقدمه

جامعه معاصر در سده بیست و یکم، دوران گذاری پرشتاب و چالش‌برانگیز را تجربه می‌کند. فرآیندهای جهانی‌شدن، گسترش بی‌سابقه فناوری‌های ارتباطی و گذار از ساختارهای سنتی به مدرنیته، لایه‌های زیرین زیست اجتماعی را دستخوش تغییرات بنیادین کرده است (گرایچ و لاکلوک^۱، ۲۰۲۶). در این میان، نهادهای اجتماعی که پیش‌تر وظیفه معنابخشی به حیات فردی را بر عهده داشتند، با نوعی نارسایی در بازتولید الگوهای رفتاری مواجه شده‌اند (چاندار^۲ و همکاران، ۲۰۲۶). این دگرگونی‌ها بیش از هر گروهی، قشر جوان و به‌ویژه دانشجویان را تحت تأثیر قرار داده است؛ چراکه دانشگاه نه تنها محیطی برای کسب دانش، بلکه کانون تلاقی سنت و مدرنیته و محل بازتعریف «خود» است (لیو^۳، ۲۰۲۶).

نقطه تمرکز این فشارها، پدیده‌ای تحت عنوان بحران هویت^۴ است. هویت، به معنای احساس ثبات و تداوم در خویشتن و تمایز فرد از دیگران، زیربنای سلامت روان و کنشگری اجتماعی است (ویلی^۵، ۲۰۲۶). اریک اریکسون، واضع این اصطلاح، معتقد است که اگر فرد نتواند در دوران جوانی میان نقش‌های مختلف خود هماهنگی ایجاد کند و به تعهدی پایدار نسبت به ارزش‌ها و اهداف دست یابد، دچار سرگشتگی و ابهام در نقش می‌شود (آزاهرا و دجوهری^۶، ۲۰۲۶). دانشجویان به دلیل قرارگیری در آستانه ورود به دنیای بزرگسالی و پذیرش مسئولیت‌های شغلی و خانوادگی، در حساس‌ترین مرحله شکل‌گیری هویت قرار دارند (پنگ^۷ و همکاران، ۲۰۲۶). بحران هویت در این قشر تنها یک دغدغه فردی نیست، بلکه به صورت رفتارهای ناپه‌نجان (آرتور و اسین^۸، ۲۰۲۶)، کاهش انگیزه تحصیلی (زانگ^۹، ۲۰۲۶)، بی‌هدفی و در سطح کلان، به شکل گسیختگی پیوندهای اجتماعی بروز می‌کند (هابسی^{۱۰} و همکاران، ۲۰۲۶). پژوهش‌های زاہری^{۱۱} و همکاران (۲۰۲۶) و سیمونز^{۱۲} (۲۰۲۶) نشان می‌دهند که عدم موفقیت در حل بحران هویت، پیش‌بین‌نیرومندی برای اضطراب مزمن و افسردگی در میان قشر تحصیل کرده است.

برای درک ریشه‌های بحران هویت، نمی‌توان فرد را مجزا از بستر تعاملاتش نگریست. در اینجا مفهوم سرمایه اجتماعی^{۱۳} به عنوان یکی از تعیین‌کننده‌ترین متغیرها وارد مطالعه می‌شود. سرمایه اجتماعی به مجموعه‌ای از شبکه‌ها، هنجارها و اعتماد متقابل اطلاق می‌شود که همکاری و هماهنگی میان اعضای یک جامعه را تسهیل می‌کند (زانگ^{۱۴}، ۲۰۲۶). این سرمایه دارای سه بعد اصلی شامل اعتماد اجتماعی، مشارکت اجتماعی و شبکه‌های روابط است (کومار^{۱۵} و همکاران، ۲۰۲۶). ارتباط میان سرمایه اجتماعی و هویت در این نکته نهفته است که فرد «کیستی» خود را در آینه روابط با دیگران کشف می‌کند (تهو و تهو^{۱۶}، ۲۰۲۶). زمانی که دانشجویی از سرمایه اجتماعی بالایی برخوردار است (یعنی در شبکه‌های حمایتی عضویت دارد، به نهادهای اجتماعی اعتماد دارد و احساس تعلق به گروه می‌کند)، این منابع روانی-اجتماعی مانند یک سپر دفاعی عمل کرده و فرآیند هویت‌یابی او را تسهیل می‌کنند (خان^{۱۷} و همکاران، ۲۰۲۶). در مقابل، فرسایش سرمایه اجتماعی به معنای انزوای فرد و کاهش پیوندهای عاطفی و ساختاری است (کیم و کوون^{۱۸}، ۲۰۲۶). پژوهش‌ها نشان می‌دهند که کاهش اعتماد فردی و میان‌فردی در جوامع در حال گذار، منجر به ایجاد هویت‌های شکننده می‌شود. وقتی دانشجوی احساس کند که در ساختار اجتماعی جایگاهی ندارد و روابط اجتماعی‌اش فاقد عمق و معناست، منبعی برای تعریف ارزش‌های خود نمی‌یابد و در نتیجه در

1 Gerraiche, Lakloul
2 Chandra
3 Liu
4 Identity Crisis
5 Wiley
6 Azzahra, Djuharie
7 Peng
8 Aruoture, Essien
9 Zhang
10 Habsy
11 Zuhri
12 Simmons
13 Social Capital
14 Zhang
15 Kumar
16 Tho, Thu
17 Khan
18 Kim, Kweon

گرداب بحران هویت غوطه‌ور می‌شود (هائو^۱ و همکاران، ۲۰۲۶). بنابراین، سرمایه اجتماعی نه تنها یک متغیر محیطی، بلکه یک سازوکار درونی‌سازی شده است که به فرد اجازه می‌دهد جایگاه خود را در کل نظام اجتماعی بازشناسی کند (آلمهمن^۲، ۲۰۲۶). در حالی که سرمایه اجتماعی به کیفیت روابط می‌پردازد، متغیر شکاف نسلی^۳ به تفاوت‌های ماهوی در نگرش‌ها، ارزش‌ها، الگوهای رفتاری و سبک زندگی بین نسل‌های متوالی اشاره دارد (چان و لی^۴، ۲۰۲۳). شکاف نسلی پدیده‌ای است که در آن نسل جوان و نسل گذشته به دلیل زیست در جهان‌های متفاوت فرهنگی، قادر به درک زبان و دغدغه‌های یکدیگر نیستند (رینتو^۵ و همکاران، ۲۰۲۳). کارل مانهایم^۶ معتقد است که تفاوت در تجربیات تاریخی و اجتماعی باعث می‌شود هر نسل آگاهی طبقه نسلی خاص خود را داشته باشد (جوزفین و جونز^۷، ۲۰۲۲). ارتباط این متغیر با بحران هویت بسیار عمیق است. هویت در یک بستر تاریخی و از طریق انتقال فرهنگی از نسلی به نسل دیگر شکل می‌گیرد. وقتی شکاف نسلی عمیق می‌شود، فرآیند انتقال تجربه و ارزش‌ها دچار اختلال می‌گردد (آلای^۸ و همکاران، ۲۰۲۲).

جوان امروزی که در دنیای دیجیتال و فضای مجازی تنفس می‌کند، ارزش‌هایی را جست‌وجو می‌کند که لزوماً با الگوهای سنتی والدینش همخوانی ندارند. این تضاد ارزشی، فرد را در وضعیت تعارض هویتی قرار می‌دهد. از یک سو فشار برای حفظ اصالت‌های خانوادگی و از سوی دیگر میل به نوگرایی و همسویی با دنیای معاصر، فرد را دچار سردرگمی می‌کند (عثمان^۹ و همکاران، ۲۰۲۵). مطالعات نشان می‌دهند که شکاف نسلی فزاینده باعث می‌شود خانواده و دانشگاه مرجعیت خود را در جهت‌دهی به هویت جوانان از دست بدهند. وقتی دیالوگ میان نسلی قطع شود، فرد احساس می‌کند که ریشه‌های تاریخی و فرهنگی‌اش برای حل مسائل مدرن او کافی نیستند. این گسست، مستقیماً به بحران هویت دامن می‌زند؛ چراکه فرد خود را در خلأیی می‌بیند که نه به گذشته تعلق دارد و نه آینده‌ای روشن و منسجم برای خود متصور است (ژو^{۱۰} و همکاران، ۲۰۲۵).

درک ریشه‌های بحران هویت، مستلزم توجه به ابعاد پیچیده تعاملات فرد و جامعه است. در این میان، سرمایه اجتماعی به‌عنوان مجموعه‌ای از شبکه‌ها، هنجارها و اعتماد متقابل، نقشی حیاتی در تسهیل همکاری و هماهنگی ایفا می‌کند و ابعاد سه‌گانه‌ی اعتماد، مشارکت و شبکه‌های روابط، اساس این سرمایه را تشکیل می‌دهند (ویلی، ۲۰۲۶). هویت فردی، «کیستی» او، در بستر همین روابط اجتماعی شکل گرفته و سرمایه اجتماعی بالا، چون سپری روانی-اجتماعی، فرآیند هویت‌یابی را تسهیل می‌نماید؛ در مقابل، فرسایش آن به انزوا و ایجاد هویت‌های شکننده منجر می‌شود (چاندار و همکاران، ۲۰۲۶). هم‌زمان، پدیده‌ی شکاف نسلی، با تأکید بر تفاوت‌های ماهوی در نگرش‌ها، ارزش‌ها و سبک زندگی میان نسل‌ها، ارتباط عمیقی با بحران هویت دارد (چان و همکاران، ۲۰۲۳). این شکاف، ناشی از زیستن نسل‌ها در جهان‌های فرهنگی متفاوت و تجربه‌های تاریخی متمایز است که فرآیند انتقال فرهنگی و ارزش‌ها را مختل می‌کند (جوزفین و همکاران، ۲۰۲۲). جوان امروزی، با هویتی شکل‌گرفته در دنیای دیجیتال، ممکن است با الگوهای سنتی والدین خود در تضاد باشد و این تعارض، او را در وضعیت سردرگمی و بحران هویتی قرار می‌دهد؛ چراکه نهادهای سنتی چون خانواده و دانشگاه، مرجعیت خود را برای جهت‌دهی هویتی از دست می‌دهند (لیو، ۲۰۲۶). با توجه به مبانی مطرح شده، مسئله اصلی پژوهش حاضر این است که چگونه تضعیف سرمایه اجتماعی و تعمیق شکاف نسلی، به‌طور هم‌زمان بر تشدید بحران هویت دانشجویان اثر می‌گذارد. در واقع، این پژوهش به‌دنبال تبیین این موضوع است که فقدان شبکه‌های حمایتی و اعتماد اجتماعی در کنار گسست ارزش‌ها میان نسل‌ها، چگونه دانشجویان را در خلأ معنایی و سردرگمی نقش‌ها قرار می‌دهد. ضرورت و اهمیت این مطالعه فراتر از تبیین نظری، در کاربرد عملی یافته‌های آن نهفته است. نتایج این پژوهش می‌تواند به‌عنوان یک نقشه راه در اختیار نهادهای متولی قرار گیرد؛ از جمله، مراکز مشاوره دانشگاهی می‌توانند با تکیه بر یافته‌ها، بسته‌های مداخلاتی ویژه‌ای را جهت بازسازی هویت دانشجویان از طریق تقویت پیوندهای اجتماعی و مهارت‌های ارتباطی تدوین کنند. همچنین، سیاست‌گذاران فرهنگی با درک دقیق‌تر از ابعاد شکاف نسلی، قادر خواهند بود برنامه‌هایی جهت تسهیل دیالوگ میان نسلی و کاهش تعارضات ارزشی طراحی کنند تا مرجعیت خانواده و دانشگاه بازسازی شود. از سوی دیگر، شناسایی مؤلفه‌های سرمایه

1 Hao
 2 Alsmehen
 3 Generational Gap
 4 Chan, Lee
 5 Rinto
 6 Carl Mannheim
 7 Josephine, Jones
 8 Aláez
 9 Usman
 10 Xu

اجتماعی مؤثر بر هویت، به برنامه‌ریزان آموزشی کمک می‌کند تا با ایجاد بسترهای مشارکت داوطلبانه، روحیه تعلق و انسجام را در دانشجویان تقویت کرده و مانع از غلتیدن آن‌ها به سمت هویت‌های کاذب یا انزوای اجتماعی شوند. در نهایت، کاربرد یافته‌های این تحقیق در ارتقای سلامت روان جامعه دانشگاهی و پیشگیری از بحران‌های رفتاری ناشی از بی‌هویتی، ضرورتی انکارناپذیر در مسیر توسعه پایدار انسانی محسوب می‌شود. بنابراین، این مطالعه با هدف پیش‌بینی بحران هویت بر اساس سرمایه اجتماعی و شکاف نسلی در دانشجویان انجام شد.

روش

روش پژوهش حاضر توصیفی-همبستگی بود. جامعه آماری در این پژوهش دانشجویان دانشگاه شهر شیراز در سال تحصیلی ۱۴۰۳-۱۴۰۲ بود. تعداد جامعه با توجه به آمار به‌دست‌آمده از دانشگاه، ۲۰ هزار نفر گزارش شد. روش نمونه‌گیری به‌صورت تصادفی خوشه‌ای انجام شد، بدین ترتیب که در مرحله اول بین دانشکده‌های علوم انسانی، علوم پایه، فنی و مهندسی دو دانشکده علوم انسانی و علوم پایه به صورت تصادفی انتخاب شد، سپس از هر دانشکده سه رشته تحصیلی به صورت تصادفی انتخاب گردید بدین صورت که از دانشکده علوم انسانی (رشته علوم تربیتی، ادبیات فارسی و حسابداری) از دانشکده علوم پایه (رشته شیمی، زیست شناسی و ریاضی) به صورت تصادفی انتخاب و در مرحله بعد از هر رشته سه کلاس به صورت تصادفی انتخاب شدند. حداقل حجم نمونه نیز با توجه به جدول مورگان ۳۴۹ نفر گزارش شد. ملاک‌های ورود به پژوهش عبارت بود از دانشجویان در یکی از رشته‌های انتخاب شده در دو دانشکده علوم انسانی و علوم پایه، حضور در کلاس‌های تخصصی سال اول، سن زیر ۲۵ سال و تمایل به شرکت در مطالعه و ملاک‌های خروج از پژوهش نیز عبارت بودند از پاسخ‌گویی ناقص به پرسشنامه‌ها و انصراف از ادامه پاسخگویی بود. از ملاحظات اخلاقی این پژوهش می‌توان به این موارد اشاره کرد که پژوهشگر پس از ارائه توضیحاتی در خصوص نحوه تکمیل پرسشنامه‌ها، اهداف پژوهش و محرمانه ماندن اطلاعات، پرسشنامه‌ها را در اختیار شرکت‌کنندگان قرارداد. پژوهشگر به شرکت‌کنندگان این اختیار را داد که هر زمانی که مایل باشند می‌توانند از پژوهش خارج شوند. برای کنترل اثر ترتیب و خستگی دو فرم متفاوت از پرسشنامه‌ها تنظیم و اجرا شد. در نهایت، داده‌های حاصل از پژوهش با استفاده از SPSS نسخه ۲۶ و روش آماری تحلیل رگرسیون مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

ابزار سنجش

مقیاس بحران هویت (ICQ)^۱: برای تعیین میزان بحران هویت، از پرسشنامه بحران هویت که توسط احمدی (۱۳۸۷) تدوین شده است؛ استفاده شد. این پرسشنامه شامل ۳۰ سؤال است که میزان ابتلای نوجوانان به بحران هویت را با تأکید بر ۱۰ بخش مجزا که بر اساس DSM-IV تدوین شده، مورد سنجش قرار می‌دهد. نمره‌گذاری آزمون به این صورت است که به هر سؤال نمره صفر تا ۳ تعلق می‌گیرد، حداکثر نمرات آزمون که بیانگر بالاترین میزان بحران هویت است برابر با ۳۰ و حداقل نمره بحران هویت ۹ و پایین‌تر از نمره ۹ نشانه نداشتن بحران هویت است. روایی محتوایی (CVI=۸۰) و صوری (۰/۷۵) پرسشنامه توسط متخصصین دانشکده‌های علوم تربیتی دانشگاه اصفهان و آزاد خوراسگان مورد تأیید قرار گرفته است. احمدی (۱۳۸۷) ضریب پایایی پرسشنامه را به دو روش تنصیف و اسپیرمن-براون به ترتیب ۰/۷۸ و ۰/۹۲ به دست آورده است (مهرآوران و همکاران، ۱۴۰۴). همچنین ضریب آلفای کرونباخ گزارش شده در پژوهش حاضر نیز ۰/۸۶ گزارش شد.

پرسشنامه سرمایه اجتماعی^۲ (SCQ): پرسشنامه سرمایه اجتماعی توسط سهامی (۲۰۰۸) در جهت اندازه‌گیری سرمایه اجتماعی تهیه شده است و حاوی ۲۰ گویه و ۴ بعد است و هر یک از گویه‌ها در قالب ۶ درجه‌ای لیکرت (فوق العاده زیاد=۵ تا اصلاً=۰) نمره‌گذاری می‌شود. روایی محتوایی پرسشنامه در پژوهش لاتهنس^۳ و همکاران (۲۰۰۸) ۰/۸۹ گزارش شده است. در راستای بررسی پایایی پرسشنامه سرمایه اجتماعی از روش بازآزمایی در فاصله زمانی سه ماهه استفاده شد که نتایج نشانگر همبستگی مثبت و قابل توجه ۰/۷۹ بین دو مرحله آزمون بوده است (لاتهنس و همکاران، ۲۰۰۸). پایایی آن در نمونه ایرانی براساس سه روش همسانی درونی، بازآزمایی در بازه زمانی دوهفته‌ای و تنصیفی محاسبه شده و برای کل پرسشنامه به ترتیب پایایی ۰/۹۳، ۰/۹۵ و ۰/۹۷ به دست آمده است. همچنین در

1 Identity Crisis Questionnaire

2 Social Capital Questionnaire

3 Luthans

ایران رازقی و کاظمی (۱۴۰۴) روایی و پایایی این مقیاس را مورد بررسی قرار دادند. برای روایی از همبستگی بین خرده مقیاس‌ها استفاده شد که این همبستگی‌ها از ۰/۹۰ تا ۰/۸۸ گزارش شده و برای پایایی از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد که این ضرایب برای خرده مقیاس‌ها از ۰/۷۱ تا ۰/۸۶ و برای نمره کل ۰/۸۳ بود. ضریب آلفای کرونباخ گزارش شده در پژوهش حاضر ۰/۸۳ بود.

پرسشنامه شکاف نسلی^۱ (GPQ): این پرسشنامه توسط نبوی (۱۳۸۲) طراحی و تدوین شده است و دارای ۱۷ سؤال است. پاسخگویی به آن در طیف لیکرت ۵ درجه‌ای (کاملاً مخالفم = ۱ تا کاملاً موافقم = ۵) انجام می‌شود. حداقل نمره از این مقیاس ۱۷ و حداکثر نمره ۸۵ است. روایی سازه پرسشنامه با استفاده از تحلیل عاملی ۰/۸۲ و پایایی آن از طریق روش آلفای کرونباخ ۰/۹۱ به دست آمده است (مینقی اقدم و همکاران، ۱۴۰۱). آلفای کرونباخ در پژوهش حاضر ۰/۸۱ بود.

یافته‌ها

میانگین سن گزارش شده برای نمونه پژوهش حاضر $21/3 \pm 1/85$ گزارش شد. حداقل سن شرکت‌کنندگان در این پژوهش ۱۹ و حداکثر سن ۲۴ گزارش شد. از ۳۴۹ شرکت‌کننده در پژوهش حاضر ۲۲۳ نفر (۶۳/۹ درصد) دختر و ۱۲۶ نفر (۳۶/۱ درصد) نیز پسر بودند. در بررسی وضعیت تحصیلی، تمام شرکت‌کنندگان (۱۰۰ درصد) در مقطع کارشناسی اشتغال به تحصیل داشتند. همچنین از نظر فراوانی رشته‌های تحصیلی، بیشترین تعداد متعلق به گروه علوم انسانی با ۲۰۱ نفر (۵۷/۶ درصد) بود. سایر شرکت‌کنندگان به ترتیب در گروه‌های فنی و مهندسی ۹۲ نفر (۲۶/۴ درصد) و علوم پایه ۵۶ نفر (۱۶ درصد) قرار داشتند. نتیجه یافته‌های توصیفی پژوهش در جدول ۱ ارائه شده است.

جدول ۱. مشخصه‌های آماری متغیرها و ماتریس همبستگی پیروسون بین متغیرها

۳	۲	۱	
		۱	۱. سرمایه اجتماعی
	۱	-۰/۳۸**	۲. شکاف نسلی
۱	۰/۴۴**	-۰/۲۵**	۳. بحران هویت
۱۵/۹	۵۰/۱	۷۲/۹	میانگین
۵/۰۵	۹/۱۸	۱۴/۱	انحراف استاندارد
۱/۱۳	-۰/۱۵۶	-۰/۴۳۴	چولگی
۰/۸۶۵	-۰/۶۸۲	۰/۲۱۹	کشیدگی

نتایج جدول (۱) نشان می‌دهد که بین سرمایه اجتماعی و بحران هویت در سطح $0/01$ رابطه منفی و معنی‌داری و بین شکاف نسلی و بحران هویت در سطح $0/01$ رابطه مثبت و معنی‌دار وجود دارد ($p < 0/05$)؛ نتایج آزمون کالموگراف - اسمیرنوف برای سرمایه اجتماعی ($0/068$)، شکاف نسلی ($0/059$) و بحران هویت ($0/063$) بزرگ‌تر از $0/05$ گزارش شد ($p > 0/05$). بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که توزیع نمرات متغیرهای پژوهش نرمال است. لذا استفاده از تحلیل رگرسیون چندگانه جهت بررسی رابطه بین متغیرهای پژوهش بلا مانع است. همچنین آماره دوربین و اتسون نیز $1/83$ گزارش شد که چون مقدار آن بین $1/5$ تا $2/5$ است؛ تأیید می‌شود.

جدول ۲. خلاصه مدل رگرسیون چندگانه سرمایه اجتماعی و شکاف نسلی در پیش‌بینی بحران هویت در دانشجویان

R ² Adjusted	R	متغیر پیش‌بین	
۰/۱۷۳	۰/۴۱۹	سرمایه اجتماعی شکاف نسلی	بحران هویت

جدول (۲) نشان می‌دهد در تحلیل رگرسیون، سرمایه اجتماعی و شکاف نسلی با بحران هویت دارای همبستگی چندگانه هستند که مقدار ضریب همبستگی برابر با ۰/۴۱۹ است. با توجه به مقدار مجذور ضریب همبستگی (۰/۱۷۳) حدود ۱۷/۳ درصد از واریانس بحران هویت توسط سرمایه اجتماعی و شکاف نسلی پیش‌بینی می‌شود.

جدول ۳. نتایج تحلیل رگرسیون چندگانه سرمایه اجتماعی و شکاف نسلی در پیش‌بینی بحران هویت در دانشجویان

P	t	Beta	B	متغیر پیش‌بین	متغیرهای ملاک
۰/۰۰۱	۹/۳۱		۵۰/۷		
۰/۰۱	-۲/۱۸	-۰/۱۰۱	-۰/۴۱۱	سرمایه اجتماعی	بحران هویت
۰/۰۲	۲/۱۶	۰/۱۰۹	۰/۲۴۱	شکاف نسلی	

طبق جدول (۳) نتایج حاصل از تحلیل رگرسیون چندگانه با روش هم‌زمان نشان داده است که سرمایه اجتماعی ($\beta = -0/101$)، $p < 0/05$ و شکاف نسلی ($\beta = 0/241$)، $p < 0/05$ توان پیش‌بینی بحران هویت را دارد. معادله رگرسیون برای پیش‌بینی بحران هویت به شرح زیر است.

$$Y = 50/7 - 0/101(X_1) + 0/109(X_2) \quad (\text{بحران هویت})$$

x_1 = سرمایه اجتماعی

x_2 = شکاف نسلی

طبق معادله رگرسیون، به ازای هر واحد که بر حوزه شکاف نسلی افزوده می‌شود؛ ۰/۱۰۹ واحد و به ازای هر واحد که از سرمایه اجتماعی کاسته شود ۰/۱۰۱ واحد بر بحران هویت افزوده می‌شود.

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف پیش‌بینی بحران هویت بر اساس سرمایه اجتماعی و شکاف نسلی در دانشجویان انجام شد. یافته پژوهش حاضر نشان داد که بحران هویت بر اساس سرمایه اجتماعی قابل پیش‌بینی است. یافته حاصل با نتایج پژوهشگرانی چون زانگ (۲۰۲۶)، کومار و همکاران (۲۰۲۶) و تهو و همکاران (۲۰۲۶) همسو است. وقتی گفته می‌شود بحران هویت بر اساس سرمایه اجتماعی قابل پیش‌بینی است، در واقع بر این نکته تأکید می‌شود که هویت پدیده‌ای فردی صرف نیست؛ بلکه در بستر شبکه‌های اجتماعی شکل می‌گیرد (خان و همکاران، ۲۰۲۶). هویت زمانی باثبات است که فرد خود را در چارچوبی از روابط معنادار با دیگران احساس کند. شبکه‌های ارتباطی، اعتماد متقابل، مشارکت‌های اجتماعی و حمایت‌های بین‌فردی موجب می‌گردند تا فرد جایگاه و نقشی برای خود در جامعه تعریف کند. اگر این شبکه‌ها ضعیف یا از هم گسیخته باشند، فرد در تلاش برای درک خویشتن دچار سردرگمی می‌شود و بحران هویت شکل می‌گیرد (کیمر و همکاران، ۲۰۲۶). به بیان دیگر، سرمایه اجتماعی بستری برای بازشناسی «من اجتماعی» فراهم می‌کند و هر چه این سرمایه کمتر باشد، فرآیند تعریف خود در ذهن فرد دچار خلأ می‌شود (هائو و همکاران، ۲۰۲۶).

در جوامعی مانند جامعه دانشگاهی که روابط به سرعت شکل می‌گیرند و تغییر می‌یابند، سرمایه اجتماعی نقش تعیین‌کننده‌ای دارد. دانشجویی که احساس می‌کند در شبکه‌ای از روابط حمایتی با همکلاسی‌ها، خانواده، اساتید و جامعه وجود دارد، از بازخوردهای سازنده اجتماعی برای شکل دادن به هویت خود بهره‌مند می‌شود. این بازخوردها همانند آینه‌هایی‌اند که فرد در آن‌ها تصویر خود را می‌بیند، اصلاح می‌کند و تثبیت می‌نماید (آلمهن، ۲۰۲۶). در مقابل، اگر فرد احساس طرد، بی‌اعتمادی و بی‌ارتباطی کند، زمینه برای ظهور بحران هویت فراهم می‌شود زیرا منابع اجتماعی لازم برای سنجش و بازتعریف خود از بین رفته‌اند (کومار و همکاران، ۲۰۲۶). بر این اساس، سرمایه اجتماعی را می‌توان نوعی نظام بازخوردی دانست که پیوسته اطلاعات مربوط به خود اجتماعی را به فرد منتقل می‌کند. بدون این نظام، فرد در خلأ شناختی قرار می‌گیرد و نسبت به نقش و ارزش خود در جامعه دچار ابهام می‌شود (زانگ و همکاران، ۲۰۲۶).

همچنین، سرمایه اجتماعی به‌طور مستقیم بر سازوکارهای روان‌شناختی مرتبط با هویت اثر می‌گذارد. احساس اعتماد که جزء اصلی سرمایه اجتماعی است، درونی‌ترین بخش ثبات هویتی افراد را تشکیل می‌دهد. فردی که به دیگران، به نهادها و به قواعد اجتماعی اعتماد دارد، احساس امنیت روانی می‌کند و در نتیجه قادر است هویت خود را با آرامش و ثبات شکل دهد. در حالی که بی‌اعتمادی اجتماعی منجر

به احساس ناامنی، انزوا و در نهایت بحران هویت می‌شود (هالسی و همکاران، ۲۰۲۶). به تعبیر دورکیم، جامعه‌ای با سطح پایین انسجام اجتماعی زمینه‌ساز آنومی است؛ وضعیتی که در آن قواعد رفتاری و معنایی روشن نیستند و افراد دچار سردرگمی در معنا و هدف زندگی می‌شوند. بحران هویت در سطح فردی همان آنومی در سطح شخصی است، و سرمایه اجتماعی نیرویی است که از طریق اعتماد، هنجار و مشارکت، این نابسامانی معنایی را کاهش می‌دهد (زاهری و همکاران، ۲۰۲۶).

سرمایه اجتماعی همچنین نقش پل ارتباطی میان فرد و جامعه را ایفا می‌کند. هر چه پیوندهای اجتماعی فرد گسترده‌تر باشند، زمینه برای مشارکت و احساس ارزشمندی بیشتر می‌شود. مشارکت اجتماعی به فرد کمک می‌کند تا نقش‌های خود را در چارچوب نظام اجتماعی تجربه کرده و از آن طریق هویت نقش‌محور خود را تثبیت کند (سیمونز، ۲۰۲۶). دانشجویانی که در انجمن‌ها، فعالیت‌های داوطلبانه یا گروه‌های فرهنگی شرکت می‌کنند، از طریق عمل و تعامل اجتماعی، تصویر واضح‌تری از خود پیدا می‌کنند. در نقطه مقابل، انزوای اجتماعی مانع از تجربه نقش‌ها و تعلقات جمعی می‌شود و فرد را در ابهام نقش فرو می‌برد (تهو و همکاران، ۲۰۲۶). در نتیجه، می‌توان گفت کاهش سرمایه اجتماعی مساوی است با کاهش فرصت‌های تجربه نقش‌های اجتماعی و به تبع آن، افزایش احتمال بحران هویت.

سرمایه اجتماعی همچنین به‌عنوان عامل تنظیم‌کننده بین فرد و جامعه عمل می‌کند. شبکه‌های اجتماعی غنی سبب می‌شوند که فرد در فرآیند رشد هویت، بازخوردهای مثبت دریافت کند، احساس تعلق داشته باشد و توانایی تطبیق ارزش‌های شخصی با ارزش‌های اجتماعی را افزایش دهد. این تطبیق همان سازگاری هویت در بافت اجتماعی است (کیم و همکاران، ۲۰۲۶). وقتی سرمایه اجتماعی ضعیف باشد، فرد نمی‌تواند میان آنچه جامعه از او انتظار دارد و آنچه خود می‌خواهد، تعادلی برقرار کند، در نتیجه دچار تعارض هویتی می‌گردد (ویلی، ۲۰۲۶). افزون بر این، سرمایه اجتماعی منبعی برای پشتیبانی عاطفی محسوب می‌شود. در جوامع و نهادهایی که همبستگی میان اعضا بالاست، فرد در شرایط فشار روانی و بحران‌های شخصی، حمایت دریافت می‌کند و در نتیجه توانایی مقاومت در برابر بی‌ثباتی هویتی را دارد؛ اما در نبود چنین حمایت‌هایی، فشارهای اجتماعی و تحصیلی به شکل آشفتگی شناختی بروز می‌کنند و فرد از انسجام در تصور خود بازمی‌ماند (زانگ و همکاران، ۲۰۲۶). در واقع، سرمایه اجتماعی نوعی سازوکار حمایتی در سطح اجتماعی است که از فرسایش روانی و بحران‌های هویتی جلوگیری می‌کند.

در نهایت، باید گفت رابطه میان سرمایه اجتماعی و بحران هویت بر اساس یک منطق دو سویه شکل می‌گیرد: سرمایه اجتماعی بالا باعث تقویت هویت و کاهش بحران می‌شود، و هویت منسجم نیز خود عامل بازتولید سرمایه اجتماعی است، زیرا افراد دارای هویت پایدار تمایل بیشتری به تعامل و مشارکت دارند. اما در مرحله پیش‌بینی، جهت‌گیری از سرمایه اجتماعی به هویت آشکارتر است؛ یعنی وضعیت شبکه‌ها، اعتماد و مشارکت‌های اجتماعی می‌تواند میزان آسیب‌پذیری فرد در برابر بحران هویت را توضیح دهد (هالسی و همکاران، ۲۰۲۶). بنابراین، نتیجه پژوهش حاضر که نشان داد بحران هویت بر اساس سرمایه اجتماعی قابل پیش‌بینی است، منطقاً ناشی از این حقیقت است که هویت در خلأ شکل نمی‌گیرد، بلکه در بستر روابط انسانی و اجتماعی زنده تنیده می‌شود؛ هر چه این بستر غنی‌تر و منسجم‌تر باشد، هویت فردی پایدارتر و خطر بحران هویت کمتر خواهد بود.

علاوه بر این، یافته حاصل از پژوهش حاضر همچنین نشان داد بحران هویت بر اساس شکاف نسلی در دانشجویان قابل پیش‌بینی است. یافته حاصل با نتایج پژوهشگرانی چون عثمان و همکاران (۲۰۲۵)، ژو و همکاران (۲۰۲۵) و چان و همکاران (۲۰۲۳) همسو است. برای فهم چرایی این رابطه، باید به این نکته توجه کرد که هویت فردی در فرآیندی اجتماعی و فرهنگی شکل می‌گیرد که طی آن ارزش‌ها، هنجارها و الگوهای رفتاری از نسل‌های پیشین به نسل‌های بعدی منتقل می‌شوند (رینتو و همکاران، ۲۰۲۳). در شرایطی که این انتقال فرهنگی با اختلال مواجه شود و فاصله‌ای معنادار در نگرش‌ها، باورها و سبک زندگی میان نسل‌ها ایجاد گردد، فرآیند شکل‌گیری هویت نیز دچار آشفتگی می‌شود (جوزفین و همکاران، ۲۰۲۲). شکاف نسلی به طور کلی به تفاوت در جهان‌بینی، ترجیحات ارزشی، شیوه‌های زیست و تفسیر واقعیت میان نسل جوان و نسل‌های پیشین اشاره دارد؛ تفاوتی که در بسیاری از جوامع معاصر تحت تأثیر تحولات سریع اجتماعی، فناوری و فرهنگی تشدید شده است (آلای و همکاران، ۲۰۲۲). در چنین شرایطی، دانشجویان که در مرحله حساس تثبیت هویت قرار دارند، با پیام‌ها و انتظارات متعارضی از سوی محیط اجتماعی خود مواجه می‌شوند و این امر می‌تواند زمینه‌ساز بروز بحران هویت شود.

یکی از مهم‌ترین دلایل این رابطه آن است که هویت فردی تا حد زیادی از طریق فرایند همانندسازی با الگوهای مرجع شکل می‌گیرد. در دوره نوجوانی و اوایل جوانی، خانواده، والدین و دیگر بزرگسالان نقش الگوهای هویتی را ایفا می‌کنند و ارزش‌ها و چارچوب‌های معنایی را به نسل جدید منتقل می‌کنند. اما هنگامی که شکاف نسلی عمیق می‌شود، این الگوهای مرجع قدرت تأثیرگذاری خود را از دست

Prediction of Identity Crisis Based on Social Capital and Generational Gap among University Students

می‌دهند (عثمان و همکاران، ۲۰۲۵). دانشجویان ممکن است احساس کنند که ارزش‌ها و توصیه‌های نسل پیشین با واقعیت‌های زندگی معاصر آن‌ها همخوانی ندارد. این عدم همخوانی باعث می‌شود فرایند همانندسازی با نسل بزرگ‌تر تضعیف شود و در نتیجه فرد برای یافتن چارچوب هویتی مناسب دچار تردید و سردرگمی گردد. به بیان دیگر، وقتی فاصله ارزشی میان نسل‌ها زیاد می‌شود، مسیر انتقال الگوهای هویتی نیز مختل می‌شود (چان و همکاران، ۲۰۲۳).

عامل دیگری که این رابطه را توضیح می‌دهد، تعارض ارزشی میان سنت و مدرنیته است. بسیاری از دانشجویان در فضایی قرار دارند که از یک سو تحت تأثیر ارزش‌ها و هنجارهای سنتی خانواده و فرهنگ بومی هستند و از سوی دیگر در معرض ارزش‌های مدرن و جهانی قرار دارند که از طریق رسانه‌ها، شبکه‌های اجتماعی و محیط دانشگاه منتقل می‌شوند. شکاف نسلی در چنین شرایطی می‌تواند این تعارض را تشدید کند، زیرا نسل‌های پیشین معمولاً به ارزش‌های سنتی پایبندترند، در حالی که نسل جوان بیشتر به سمت ارزش‌های نوگرایانه گرایش دارد (ژو و همکاران، ۲۰۲۵). این تضاد می‌تواند فرد را در موقعیتی قرار دهد که میان دو نظام ارزشی متفاوت گرفتار شود و نتواند چارچوبی منسجم برای تعریف خود بیابد. در نتیجه، فرد ممکن است در تعیین اهداف، باورها و سبک زندگی خود دچار ابهام گردد که این وضعیت از نشانه‌های بارز بحران هویت محسوب می‌شود (پنگ و همکاران، ۲۰۲۶).

از سوی دیگر، شکاف نسلی می‌تواند به تضعیف ارتباطات میان‌نسلی و کاهش کیفیت گفت‌وگو میان جوانان و بزرگسالان منجر شود. زمانی که زبان مشترک میان نسل‌ها کاهش می‌یابد، تعاملات خانوادگی و اجتماعی نیز سطحی‌تر می‌شود و امکان انتقال تجربه و راهنمایی کاهش پیدا می‌کند. برای دانشجویان که در مرحله تصمیم‌گیری درباره مسیرهای تحصیلی، شغلی و شخصی قرار دارند، این ارتباطات میان‌نسلی می‌تواند نقش راهنما و تثبیت‌کننده هویت را ایفا کند. اما هنگامی که این ارتباطات ضعیف می‌شود، فرد ناچار است بدون بهره‌گیری از تجربه نسل‌های پیشین به تنهایی مسیر هویتی خود را تعیین کند (لیو، ۲۰۲۶). این وضعیت ممکن است احساس سردرگمی، تردید و عدم قطعیت را افزایش دهد و احتمال شکل‌گیری بحران هویت را بالا ببرد.

علاوه بر این، شکاف نسلی می‌تواند احساس بیگانگی فرهنگی را در میان جوانان تقویت کند. وقتی دانشجویان احساس کند که ارزش‌ها و دیدگاه‌های او توسط نسل بزرگ‌تر درک نمی‌شود یا مورد پذیرش قرار نمی‌گیرد، ممکن است احساس کند که به هیچ‌یک از دو حوزه فرهنگی به طور کامل تعلق ندارد. حالتی که در آن فرد نه به طور کامل با ارزش‌های نسل پیشین همسو است و نه به طور کامل چارچوبی پایدار برای جایگزینی آن‌ها یافته است. چنین وضعیتی می‌تواند به شکل‌گیری احساس ناپایداری در تعریف خویش منجر شود، زیرا فرد نمی‌داند دقیقاً به کدام مجموعه ارزش‌ها و هنجارها تعلق دارد (ویلی، ۲۰۲۶). همچنین می‌توان افزود نسل‌های جدید در محیطی رشد می‌کنند که با فناوری‌های نوین، ارتباطات دیجیتال و جریان‌های فرهنگی جهانی پیوند خورده است. این شرایط باعث می‌شود که تجربیات زیستی نسل جوان به طور قابل توجهی با تجربیات نسل‌های قبلی متفاوت باشد. در نتیجه، تفاوت در نحوه درک مسائل اجتماعی، سیاسی و فرهنگی افزایش می‌یابد. این تفاوت‌ها گاه به شکل اختلاف در نگرش نسبت به آینده، شیوه‌های زندگی، انتخاب‌های شغلی و حتی تعریف موفقیت بروز می‌کند. هنگامی که چنین اختلافاتی بدون وجود مکانیسم‌های گفت‌وگوی سازنده میان نسل‌ها شکل بگیرد، احتمال بروز بحران هویت در میان جوانان افزایش می‌یابد، زیرا آن‌ها در تلاش برای سازگار کردن خود با انتظارات متناقض قرار می‌گیرند (چاندار و همکاران، ۲۰۲۶).

در مجموع، می‌توان گفت پیش‌بینی بحران هویت بر اساس شکاف نسلی از آن رو قابل توجیه است که فاصله ارزشی و ارتباطی میان نسل‌ها می‌تواند فرایند انتقال فرهنگی، همانندسازی هویتی و انسجام معنایی را مختل کند. دانشجویان در شرایطی که میان ارزش‌های نسل پیشین و تجربیات نسل خود تعارض احساس می‌کنند، ممکن است با ابهام در تعریف خود و جایگاهشان در جامعه مواجه شوند. از این رو، هرچه شکاف نسلی عمیق‌تر باشد، احتمال بروز سردرگمی در ارزش‌ها، اهداف و نقش‌های اجتماعی افزایش می‌یابد و در نتیجه زمینه برای شکل‌گیری بحران هویت در میان دانشجویان فراهم‌تر می‌شود.

از جمله محدودیت‌های پژوهش حاضر می‌توان گفت که جامعه آماری پژوهش دانشجویان دانشگاه شیراز محدود شد؛ بنابراین نتایج به‌طور مستقیم قابل تعمیم به دانشجویان سایر دانشگاه‌ها نیست. محدودیت دیگر پژوهش، اتکای صرف بر ابزارهای خودگزارشی برای سنجش بحران هویت، سرمایه اجتماعی و شکاف نسلی است که ممکن است تحت تأثیر سوگیری پاسخ‌دهی، تمایل به مطلوبیت اجتماعی و وضعیت هیجانی لحظه‌ای شرکت‌کنندگان قرار گرفته باشد. همچنین، با توجه به طرح توصیفی-همبستگی پژوهش، اگرچه روابط پیش‌بین میان متغیرها شناسایی شد، اما امکان استنباط روابط علیّی مقطعی میان سرمایه اجتماعی، بحران هویت و شکاف نسلی وجود ندارد. توصیه می‌شود پژوهشگران با بهره‌گیری از روش‌های چندمنبعی، نظیر مصاحبه‌های بالینی، ارزیابی‌های مشاهده‌ای یا گزارش اطرافیان، داده‌های

خودگزارشی را تکمیل کنند تا برآورد دقیق‌تری از متغیرهای روان‌شناختی به دست آید. با توجه به اهمیت بحران هویت، پیشنهاد می‌شود برنامه‌های مداخله‌ای مبتنی بر سرمایه اجتماعی در مراکز مشاوره دانشگاه‌ها طراحی و اجرا شود. این مداخلات می‌توانند زمینه لازم برای پردازش سازگارانه و بهبود بحران هویت را فراهم آورند.

منابع

- رازقی، ن؛ کاظمی، م. (۱۴۰۴). بررسی تاثیر سرمایه اجتماعی بر توسعه عملکرد آموزشی و پژوهشی دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه مازندران. *دوفصلنامه نظم اجتماعی و توسعه*، ۱(۱)، ۲۴-۱. https://sod.journals.umz.ac.ir/article_4459.html
- مهراوران، پ؛ وکیلی، ن؛ ادیب زاده، م. (۱۴۰۴). اثربخشی طرح‌واره درمانی مبتنی بر مدل ذهنیت مدار بر اسناد خصمانه و تحمل ناپذیری بلاتکلیفی در نوجوانان دختر درگیر بحران هویت. *رویش روان‌شناسی*، ۱۴ (۲)، ۱۸۳-۱۹۲. <http://frooyesh.ir/article-1-5233-fa.html>
- مینقی اقدم، ز؛ میرزایی، خ؛ سفیری، خ؛ شکر بیگی، ع. (۱۴۰۱). رابطه شکاف نسلی با آسیب‌های اجتماعی در نوجوانان شهر تهران. *رفاه اجتماعی*، ۲۲ (۸۵)، ۱۲۳-۱۵۶. <http://refahj.uswr.ac.ir/article-1-3939-fa.html>
- Alález, M., Díaz-Iso, A., Eizaguirre, A., & García-Feijoo, M. (2022, February). Bridging generation gaps through service-learning in higher education: A systematic review. In *Frontiers in Education* (Vol. 7, p. 841482). Frontiers Media SA. https://doi.org/10.1207/s15327752jpa5201_2
- Alsmehen, F. A. (2026). The Predictive Ability of Emotional Regulation and Life Quality in Psychological Capital among the University Youth in Jordan. *Dirasat: Human & Social Sciences*, 53(1). <https://doi.org/10.51601/ijse.v6i1.404>
- Aruoture, E. O., & Essien, J. D. (2026, January). Caught Between Control and Neglect: Exploring the Psychological Impact of Toxic Parenting, Social Media Use and Suicidal Ideation among Nigerian Adolescents. In *Child & Youth Care Forum* (pp. 1-24). Springer US. <https://doi.org/10.1002/cad.1406259>
- Azzahra, M., & Djuharie, O. S. (2026). Analysis of The Use of Betawi Vocabulary and Indonesian Language Among Students of The University of Muhammadiyah Tangerang, Faculty of Islamic Religion Semester III. *Jejak digital: Jurnal Ilmiah Multidisiplin*, 2(1), 2522-2529. <https://doi.org/10.1007/s10566-025-097xx-x>
- Chan, C. K. Y., & Lee, K. K. (2023). The AI generation gap: Are Gen Z students more interested in adopting generative AI such as ChatGPT in teaching and learning than their Gen X and millennial generation teachers?. *Smart learning environments*, 10(1), 60. <https://doi.org/10.2147/PPA.S561144>
- Chandra, S., Kulshrestha, P. K., Vahini, V., & Kundu, S. (2026). Legal Dimensions of Imposter Syndrome and Human Identity Crisis in the Age of Artificial Intelligence. In *Imposter Syndrome and AI: Navigating Human Identity in the Age of Intelligent Machines* (pp. 291-308). IGI Global Scientific Publishing. <https://doi.org/10.1158/1557-3265.SABCS25-PS4-11-13>
- Gerraiche, H., & Lakloul, R. (2026). Fourth Generation Wars and the Cultural Identity Crisis among University Students. *ATRAS journal*, 7(1), 90-101. <https://doi.org/10.3390/healthcare13030346>
- Habsy, B. A., Cantika, E. W. D., Stanley, C., Fadhilah, E. N., Alisyahbana, I. B., & Nurismawan, A. S. (2026). Effectiveness of Reality Group Counseling in Enhancing Ego Identity Among Indonesian High School Students: A Pretest-Posttest Experimental Study. *G-Couns: Jurnal Bimbingan dan Konseling*, 10(02), 1775-1786. <https://doi.org/10.1111/j.1744-6570.2007.00083.x>
- Hao, X. Y., He, Y., Zhang, D. X., & Li, X. Y. (2026). Teacher-focused approach to foster student engagement—a hierarchical linear model based on Chinese college students' psychological capital. *BMC psychology*, 14(1), 2. <https://doi.org/10.1016/j.ridd.2026.105235>
- Josephine, J., & Jones, L. (2022). Understanding the impact of generation gap on teaching and learning in medical education: a phenomenological study. *Advances in medical education and practice*, 13, 1071. <https://psycnet.apa.org/record/2016-37471-001>
- Khan, A., Fang, S., & Zeb, I. (2026). Relationship between university social responsibility and sustainable development goals in higher education: the mediating role of psychological capital. *International Journal of Sustainability in Higher Education*, 1-16. <https://doi.org/10.1158/1055-9965.EPI-25-0686>
- Kim, S., & Kweon, Y. R. (2026). Mediating Effect of Psychological Capital in the Link Between Loneliness and College Adjustment Among Nursing Students. *Sage Open*, 16(1), 21582440251411518. <https://doi.org/10.1177/08295735211053962>
- Kumar, A., Singh, P., Parihar, A. S., & Saraswat, S. (2026). Analyzing the impact of psychological capital on the entrepreneurial intentions of students through mediating role of individual expectancy using PLS-SEM. *International Journal of Social Economics*, 53(1), 46-61. <https://doi.org/10.1016/j.ejon.2025.102800>
- Liu, A. J. (2026). Shifting from Student to Faculty in Times of Uncertainty: Wrestling with Emotional Labor and Identity Crises. In *Emotional Vulnerability of Language Teachers in Digital Settings* (pp. 113-126). Singapore: Springer Nature Singapore. <https://doi.org/10.1080/17432979.2026.2616707>

Prediction of Identity Crisis Based on Social Capital and Generational Gap among University Students

- Luthans, F., Avolio, B. J., Avey, J. B., & Norman, S. M. (2008). *Positive psychological capital: Measurement and relationship with performance and satisfaction*. *Personnel Psychology*, 60(3), 541–572. <https://doi.org/10.3389/fpubh.2025.1567485>
- Peng, X. Y., Feng, L. P., Ge, M. W., Li, W., Shen, L. T., Feng, R., ... & Chen, H. L. (2026). Clinical Learning Under the Shadow of Impostor Syndrome: A Qualitative Study Among Nursing Students. *International Journal of Nursing Practice*, 32(1), e70109. <https://doi.org/10.32859/era.26.1.1-16>
- Rinto, R., Iswari, R. S., Mindyarto, B. N., & Saptono, S. (2023). Bridging the generational gap: exploring youth understanding on ethnobotanical knowledge and its integration in higher education curricula. *Ethnobotany Research and Applications*, 26, 1-16. <https://doi.org/10.1186/s40561-023-00253-1>
- Rinto, R., Iswari, R. S., Mindyarto, B. N., & Saptono, S. (2023). Bridging the generational gap: exploring youth understanding on ethnobotanical knowledge and its integration in higher education curricula. *Ethnobotany Research and Applications*, 26, 1-16. <https://doi.org/10.1080/13284207.2026.2622497>
- Simmons, J. (2026). Review of Massimo Faggioli, *Theology and Catholic Higher Education: Beyond Our Identity Crisis*. <https://doi.org/10.1007/978-981-97-xxxx-x>
- Tho, N. D., & Thu, N. N. Q. (2026). Students' psychological capital and learning performance: A multilevel study of the roles of instructors' mindfulness and forgiveness. *The International Journal of Management Education*, 24(1), 101319. <https://doi.org/10.1186/s13020-025-01283-y>
- Usman, B., Rianto, H., & Aujirapongpan, S. (2025). Digital payment adoption: A revisit on the theory of planned behavior among the young generation. *International Journal of Information Management Data Insights*, 5(1), 100319. <https://doi.org/10.1038/s41586-023-07005-4>
- Wiley, K. R. (2026). Identity and Career Development in Gifted Adolescents. In *The Handbook of Secondary Gifted Education* (pp. 35-49). Routledge. <https://doi.org/10.4324/978100xxxxx>
- Xu, C., Hania, A., & Waqas, M. (2025). Guiding the digital generation: Role of principals' leadership, ICT competence, and teacher professional competence in fostering digital citizenship among university students. *Education and Information Technologies*, 30(1), 1165-1189. <https://doi.org/10.1007/s40894-022-00196-3>
- Zhang, H. (2026). Academic Self-Efficacy and Academic Identity Construction: A Qualitative Study of Doctoral Students in China. *New Directions for Child and Adolescent Development*, 2026(1), 1406259. <https://doi.org/10.1111/jjn.70109>
- Zhang, Z. (2026). Psychological capital and mental health among Chinese university students: a systematic review and meta-analysis. *BMC psychology*. <https://doi.org/10.1016/j.actpsy.2026.106248>
- Zuhri, A., Alnashr, M. S., Nihayah, H., Ihsan, I., Ulumuddin, I. K., Darmoto, D., & Munjiat, S. M. (2026). How Madrasahs Build Students' Character in Indonesia's Society 5.0 Era: Emerging Challenges. *Nazhruna: Jurnal Pendidikan Islam*, 9(1), 166-186. <https://doi.org/10.1177/21582440251411518>